



بررسی گفتمان انقلاب اسلامی در دولت نهم

پریسا امیری فرد^۱، محمدرضا حاتمی^۲

چکیده:

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، دین به عنوان گفتمانی برای جذب و بسیج افکار عمومی در انتخابات نقش مهمی پیدا کرد، به گونه‌ای که این انقلاب را اساسا انقلابی دینی معنا می‌کرد. در این پژوهش، با استفاده از روش تحلیل گفتمان به بررسی ساختارهای معانی که نحوه خاصی از عمل را ممکن می‌سازد، می‌پردازیم. گفتمان دولت اسلامی در زمان انتخابات آقای احمدی نژاد طیف اجتماعی را به پای انتخابات آورد که این طیف سیاسی- اجتماعی به شقاق و قطبی شدن زمینه و متن اجتماعی انتخابات منتهی شد. در این نوشتار نشان می‌دهیم که برای تغییر پایگاه انقلاب اجتماعی ایران، "رابطه خانواده، جنسیت، آموزش و منزلت اجتماعی" چگونه تغییر و به اسلامی کردن گروه‌های منزلت اجتماعی در دولت تدارک پایگاه جدید برای انقلاب اسلامی ایران دیده می‌شود. تغییر کانون گفتمان انقلاب اسلامی در دولت نهم، با موجهی از مقاومت اجتماعی در جامعه مدنی همراه شد که نویسنده تغییر گروه‌های منزلت اجتماعی را علت اصلی می‌داند. در این نگارش بر اساس تحلیل گفتمان یادداشت‌های مجله همشهری به این تغییر کانون پرداخته شده است.

واژگان اصلی: گفتمان انقلاب اسلامی، دولت نهم، کانون گفتمانی، تغییر.

مقدمه

در گفتمان انقلاب اسلامی ایران، تاکید بر نقش دین و ارزش‌های دینی در مقابل نظام پادشاهی سکولار و نوسازی‌هایی که شاه در حوزه‌های آموزش، خانواده و صنعتی کردن جامعه ایران انجام می‌داد، از نشانگان معنایی بود که جامعه را در ابعاد دینی شدن و پیگیری علائق دینی سوق داده و پیش می‌برد. در فردای انقلاب در ایران نزاع بر سر تفسیر اسلامی بودن انقلاب تفسیرهای سیاسی را بر آن داشت که از اسلامی بودن انقلاب تفسیرهای مختلفی ارائه دهند. تفسیرهای مختلف در کانون بحث‌های گفتمانی مطرح شد. در دولت نهم، بحث دولت اسلامی و تغییر فرهنگ سیاسی مهم‌ترین موضوعات سیاستگذاری بود. تحقق دولت اسلامی ناظر بر اسلامی کردن حوزه فرهنگ اجتماعی، آموزش و دانشگاه و با شعار تحقق عدالت اجتماعی همراه بود. در دولت اسلامی، تغییر روابط اجتماعی و مناسبات فرهنگی در خانواده، الگوی روابط قدرت در خانواده، در جنسیت میان دختر و پسر، در میان اجتماعات زنان در نسبت خود زنان با جامعه‌شان، در حوزه آموزش در دانشگاه با شعار اسلامی کردن دانشگاه و ... طیفی از تغییرات را ایجاد کرد. دولت اسلامی با تمرکز بر کانون خانواده و نشان دادن تغییر روابط قدرت اجتماعی، حوزه فرهنگ و آموزش، در لایه‌های اجتماعی گسست‌ها و تغییر شالوده‌های فرهنگی را از فرهنگ نخبه‌گرایانه به فرهنگ اجتماعی عامه‌پسند در رسانه و حوزه سرگرمی و ورزش و ... موجب شد. این تغییر در بنیان فرهنگ اجتماعی که اسلامی کردن و عامه‌پسند کردن حوزه رسانه اجتماعی و ورزش و سرگرمی را به همراه داشت، به تفسیری از اسلامی کردن حوزه‌های سبک زندگی اجتماعی در جامعه انقلابی ایران منتهی شد که در بازنمایی‌های اجتماعی در رسانه معنای دینداری جامعه انقلابی را در قرائت خاصی جدا از شریعت و فقه‌ت نشان داد. آنچه در دولت‌های گذشته توسعه اقتصادی یا توسعه فرهنگی بود و نخبه‌گرایانه محسوب می‌شد با تغییر منزلت اجتماعی نخبگان با تغییر گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی به بازتعریف پایگاه اجتماعی منزلت‌های اجتماعی می‌پرداخت و شئون اجتماعی را از پایگاه نخبه‌گرایی به عامه‌گرایی تغییر داد. دولت نهم بر اسلامی کردن منزلت اجتماعی به عنوان یک محور در شئون اجتماعی در توزیع درآمد و امکانات تکیه داشت و بیان سیاسی اسلامی کردن سبک‌های زندگی جامعه انقلابی ایران "اسلامی کردن" منزلت و شئون اجتماعی را به جای نخبگان گذشته جایگزین کرد.

بیان مسئله

نگرش ما در این پژوهش مبتنی بر رویکردی فرهنگی است. رویکرد فرهنگ‌گرا این امکان را فراهم می‌آورد که با محور قرار دادن معنا، معنا نه به مثابه امری ذهنی بلکه به عنوان آنچه در سرشت بازنمایی‌های اجتماعی حک شده است، مورد بررسی قرار گیرد. یکی از زمینه‌های رویکرد فرهنگ‌گرایی برقراری تشابه میان زبان و فعالیت‌های فرهنگی و در نگاه کلی‌تر، تشبیه فرهنگ به متن است. این رویکرد در مقابل رویکرد پوزیتیویستی مطرح می‌شود. از منظری پوزیتیویستی، دین در یکی از هیأت‌های زیر دیده می‌شده است: آرمانی رو به اضمحلال که دسته کوچکی از جامعه متکثر صنعتی بدان پایبند هستند، یا پدیده‌ای که می‌توان آن را به سهولت با شاخص‌هایی کمی مثل اعلام میزان اعتقاد پاسخگو به کلیسا، پایبندی او برای رفتن به کلیسا و دفعات آن، داشتن نگرش‌های سستی و مانند این‌ها سنجید.

در دیدگاه‌های محافظه کار، گفتمان دینی بخشی از اخلاق جامعه و ابزاری مؤثر برای همبستگی اجتماعی تعریف شد، در نزد مارکسیست‌ها و متفکران انتقادی، دین به عنوان روبنای ایدئولوژیک که باید جای خود را به ایدئولوژی دیگری بسپارد، معرفی شد. وایت (White:1997,38) معتقد است که پروژه سیاسی - اقتصادی روشنگری، دین را به عنوان بنیادی برای وفاق جمعی به رسمیت نشناخت اما در همان حال کوشید تا از آن به عنوان ابزاری برای تقویت فرآیند صنعتی شدن استفاده کند. وی می‌افزاید «نظریه‌های اجتماعی دین نیز به طور تمام عیار از همین رویه پیروی کردند».

اما در حاشیه این جریانات فکری به تدریج نحله‌ای دیگر مطرح شد؛ برخی از دانشمندان با نفی رویکرد کارکردگرایانه به دین، آن را جنبه‌ای ذاتی از زندگی بشر و همچون فرآیند جست‌وجوی پاسخ به پرسش از معنای زندگی تعریف کردند. پیتر برگردین را به عنوان فعالیتی فرهنگی تعریف کرد که بین جزایر معنا، پل می‌زند (Peter Berger:1967,25) و گیرتز دین را همچون نظامی فرهنگی می‌بیند که نقشی حیاتی در تعیین شیوه‌های تلفیق نمادهای بنیادین و آیین‌های مشترک در جوامع ایفا می‌کند (Clifford Geertz:1973,89). کوتاه سخن آن که مطالعات متأخر دین به این سمت گرایش دارند که برخلاف دیدگاه‌های متقدم، گفتمان دینی را نه سازه‌ای شکل گرفته تحت تأثیر جامعه، بلکه نظامی معنادار تلقی کنند که با استفاده از نمادها واقعیت‌ها را معنا می‌بخشد. این نمادها «تبلورات عینی‌ای از آرمان‌ها، نگرش‌ها، داوریه‌ها، تمناها، و

عقاید» (Geertz:1973,91) تلقی می‌شوند. این نمادها در متن ناخودآگاه سیاسی معنایی می‌شوند و در چرخش‌های گفتمانی همواره دال تهی را با مدلولی دیگر پر می‌سازند. بحث ناخودآگاه سیاسی و چرخش‌های گفتمانی دو مبحثی هستند که در ادامه مورد توجه قرار می‌گیرند. امر نمادین، چارچوب غیرشخصی جامعه است، عرصه‌ای است که در آن ما جایگاه خود را به‌عنوان عضوی از جماعتی متشکل از انسان‌های هم‌نوع را به دست می‌آوریم... ما در عین حال زندانی امر نمادین هستیم. (رابرتس، ۱۳۸۶: ۹۰) عمل ادراک، واقعیت را از صافی آگاهی می‌گذراند و از این طریق امر واقعی وارد منطق روانی تخیلی و نمادین می‌شود. پس امر واقعی، بیرون از نمادپردازی، بیرون از زبان قرار دارد و در واقع حتی در مقابل نمادپردازی مقاومت می‌کند. امر واقعی همواره روایت می‌شود. روایت یک شیوه اساسی از میانجی‌گری میان فرد و جامعه و همچنین میان ازم‌گسیختگی آشکار جامعه و کلیت واقعی زیربنای آن است. روایت جایگاهی در داستان است که به مستقیم‌ترین شکل ممکن کلیت (به هم پیوستگی) ناخودآگاه زندگی واقعی را بیان می‌کند. روایت، شکل‌های داستانی در میانجی‌گری تجربه فردی و کلیت اجتماعی نقش بارزی ایفا می‌کنند، طبق فرآیندی این امر صورت می‌گیرد که وی آن را تبدیل رمز می‌نامد - یعنی ترجمه واقعیت تاریخی و اجتماعی به رمزی پذیرفته شده (که شامل انتظارات و الگوهای معین روایی است) و قرار دادن این واقعیت در دسترس فرد. (رابرتس، ۱۰۸) در تحلیل بنیادهای نظام ادراک اجتماعی و تعیین نقش ارزش‌های دینی، برای تبیین تغییرات و شکل‌گیری تفاسیر دینی، بحث‌های نظری مربوط به گفتمان را پی می‌گیریم. اما باید به این نکته اساسی توجه داشت که ارتباط بحث گفتمان با زمینه‌های اجتماعی به‌خصوص ناخودآگاه سیاسی دارای اهمیت کلیدی است.

پیشینه تحقیق:

تحلیل گفتمانی سیاستگذاری فرهنگی دولت نهم و دهم جمهوری اسلامی ایران در حوزه آموزش عالی سعید پور علی به راهنمایی دکتر فیرحی و مشاوره دکتر اشتریان در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه تهران تلاش دارد تا تحلیل گفتمانی از سیاست گذاری فرهنگی دولت های نهم و دهم جمهوری اسلامی درحوزه آموزش عالی و نسبت سنجی آن با نظم گفتمانی آموزش عالی ارائه کند. برای سامان گرفتن پژوهش از گفتمان و تحلیل گفتمان به مثابه نظریه و روش استفاده شده تا به استناد نتایج گفتمان دولت نهم و دهم با محوریت دال اسلامی شدن دانشگاه تاکید بر رویکرد

اجرایی و مدیریتی برای تحقق آن علیرغم قابلیت دسترسی؛ نتوانست در دانشگاه از اعتبار لازم برخوردار شود.

انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و صورت بندی خرده گفتمان عدالت حسین خانی در سال ۱۳۹۶ در این پژوهش پیروزی انقلاب و حاکم شدن گفتمان انقلاب اسلامی با کانون اسلام سیاسی فقه‌آلود با طرد رقیبان گفتمانی خود، مورد تاکید است. رقابت های درون گفتمانی، تسلط خرده گفتمان های اسلام سیاسی رادیکال، محافظه کار، اصلاح طلب و عدالت خواه طی ادوار مختلف پس از انقلاب مورد بررسی قرار می گیرد. بر اساس مطالب یادشده مبنای نوشتار حاضر برای پاسخ به این پرسش اصلی است که «خرده گفتمان اسلام سیاسی عدالت خواه» نظریه گفتمان و تکنیک کتابخانه ای درصدد است به این گزاره دست یابد که اشاعه عناصر خرده گفتمان جدید مانند: «خودباوری»، «مبارزه با فساد»، «مبارزه با رفاه طلبی و تجمل گرایی مدیران»، «توجه به اقشار محروم و مستضعف و حاشیه نشین» بر محور «عدالت»، این اسطوره در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری، خود را در کنش سیاسی نیروهای اجتماعی متجلی ساخته و با تبدیل شدن به تصور اجتماعی موجب تسلط این خرده گفتمان گردیده است.

گفتمان فرهنگی دولت نهم و دهم علیرضا فرخی جهانگیر جهانگیری ۱۴۰۰: با تاکید بر عرصه فرهنگ به عنوان مهم ترین عرصه ها در ایران بعد از انقلاب اسلامی است. هژمونی فرهنگی رویکرد فرهنگی دولت نهم و برنامه های فرهنگی آن شاهد تغییر در گفتمان فرهنگی شخصیت های تاثیرگذار دولت با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان لاکلاو و موف به دنبال مفصل بندی گفتمانهای فرهنگی دولتهای نهم و دهم و همچنین مقایسه گفتمان فرهنگی این دو دولت می باشد. یافته- های تحقیق حکایت از تغییر در گفتمان فرهنگی دولت دهم در مقایسه با دولت نهم دارد. بر این اساس در دولت نهم شاهد حاکمیت نوعی گفتمان فرهنگی دینی مبتنی بر مدیریت اسلامی و دالهای اصلی آن صدور انقلاب، مقابله تهاجم فرهنگی، بازگشت به ارزش های انقلاب، ممیزی فرهنگی و تاکید بر مسجد به عنوان کانون تحولات بنیادین می باشد. و در دولت دهم مدیریت فرهنگی جهانی به عنوان دال مرکزی برنامه ها و ناکارآمدی فقه، کرامت انسانی، دین جهانی، مکتب ایرانی، تبادل فرهنگی از دالهای اصلی مفصل بندی گفتمان فرهنگی می باشد.

تحلیل رویکرد دولت نهم و دهم نسبت به جهانی شدن فرهنگ با استفاده از نظریه آشوب ۱۳۹۵: نویسندگان: رجا، امام جمعه و باقری؛ جهانی شدن فرهنگ که از سوی اندیشمندان و

تحلیل‌گران علوم اجتماعی به‌عنوان پارادایم اصلی انتهای قرن بیستم و ابتدای قرن بیست‌ویکم مطرح است، از جنبه‌های گوناگون موردبررسی قرار گرفته است. دریکسوعده‌ای با خوش‌بینی محض به آن نگاهی پروسه‌محورانه دارند که از ابتدای زندگی بشریت مطرح بوده و امروزه به‌واسطه‌ی مطرح‌شدن انقلاب انفورماتیک بیش‌ازپیش مطرح‌شده است؛ ازاین‌رو سرانجام آن را گسترش رفاه، پیشرفت، صلح، دموکراسی برای همگان می‌دانند. اما عده‌ای دیگر با تأکید بر گسترش روزافزون فقر، درگیری‌ها، انواع تبعیض‌ها و رشد جریان‌های افراطی در دوران حاکم شدن عقل‌گرایی و دموکراسی محوری، نگرشی پروژه محور و بدبینی به این جریان دارند. سوال اصلی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که رویکرد دولت احمدی نژاد نسبت به جهانی شدن فرهنگ چه بود و چه عواملی در بروز این رویکرد موثر بودند؟ برای این منظور از چارچوب نظری آشوب و روش توصیفی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد تفسیر دولت احمدی نژاد از نظام بین‌الملل، حرکت آن به سوی آشوب و بی‌نظمی است و این مساله بیش از هر چیز به جهانی شدن فرهنگ بازمی‌گردد. لذا باید این روند را متوقف ساخت.

روش تحلیل گفتمان فرکلاف:

سوژه و گفتمان

گفتمان را مرادوه کلامی، بده‌بستانی بین‌گوينده شنونده، بازنمود یک صدا در دل متن و یا مجموعه‌ای درهم‌تنیده از عمل اجتماعی، عمل گفتمانی و متن می‌دانند. (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۷) روش تحلیل گفتمان عمدتاً به بررسی راه‌هایی می‌پردازد که در آن ساختارهای معانی نحوه خاصی از عمل را ممکن می‌سازد. برای این کار تحلیل‌گر سعی در درک چگونگی تولید، کارکرد و تحول گفتمان‌هایی می‌کند که فعالیت‌های کارگزاران اجتماعی را ساخت می‌دهند. (حاجی یوسفی، ۱۳۷۸: ۱۹۶) تحلیل انتقادی گفتمان در بررسی پدیده‌های زبانی و اعمال گفتمانی به فرآیندهای ایدئولوژیک در گفتمان، روابط بین زبان و قدرت، ایدئولوژی، سلطه و قدرت، پیش‌فرض‌های دارای بار ایدئولوژیک در گفتمان، بازتولید اجتماعی ایدئولوژی زور، قدرت و سلطه و نابرابری در گفتمان توجه کرده و عناصر زبانی و غیرزبانی را به همراه دانش زمینه‌ای کنش‌گران هدف و موضوع مطالعه خود قرار می‌دهد. (فرکلاف، ۱۳۷۸: ۱۲) و به تحلیل شرایط امکان یک رفتار اجتماعی می‌پردازد.

در تحلیل متن ها

الف) متن در درجه اول دارای کلیتی است که خود بدان وابسته است در داخل متن مجموعه‌ای از عناصر وجود دارند که نه تنها به یکدیگر مرتبط بوده بلکه کلیتی را می‌سازند که بدان متن یا گفتمان می‌گویند.

ب) متن گفتمان به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی متکی است این عوامل هم در فرآیند تولید متن و هم در فرآیند تفسیر مؤثرند... فرآیند تولید و تفسیر با هم دارای کنش متقابل و در نتیجه همدیگر را متأثر می‌سازند.

ج) یک متن علاوه بر بافت متن و فرآیند تفسیر و تولید متن شدیداً متأثر از شرایط اجتماعی است که متن تولید یا تفسیر می‌شود. بافت اجتماعی و فرهنگی تأثیر بسیار بیشتری نسبت به بافت متن و فرآیند تولید و تفسیر آن دارد. (تاجیک، ۱۳۷۸: ۵۵)

در مدل فرکلاف، تحلیل متن در واقع تحلیل ساختمانی زبانی و ویژگی‌های صوری متن است که شامل تحلیل زبانی در قالب واژگان، دستور، نظام آوایی و انسجام در سطح بالاتر از جمله است. تحلیل متن همان مرحله توصیف در فرایند تحلیل گفتمان انتقادی است. ما در تحلیل متون همچون زبان برخورد می‌کنیم که در آن روابط میان چیزها از خود چیزها مهم‌تر است، و به قول جانائاتان کالر این نظر که زبان‌شناسی به کار مطالعه‌ی سایر پدیده‌های فرهنگی می‌آید بر دو برداشت استوار است: نخست این‌که پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی صرفاً اشیاء یا رویدادهای مادی نیستند بلکه اشیاء یا رویدادهایی معنادار هستند و نتیجتاً می‌توان آن‌ها را نشانه یا علامت به حساب آورد دوم این‌که این پدیده‌ها قائم به ذات نیستند بلکه با شبکه‌ای از روابط تعریف می‌شوند.

دولت نهم و گفتمان انقلاب اسلامی

از سال ۱۳۷۶ به بعد، بیشترین میزان عدم انسجام ساختاری و همچنین عدم انسجام ایدئولوژیک و ارزشی در درون نخبگان سیاسی مشاهده می‌شود.... (عراقی، نقیب زاده، ۱۴۰۳: ۴۶)

در چارچوب نظام های انتخاباتی، نسبت میان فرد و حزب از اهمیت تحلیلی بالایی برخوردار است زیرا مشخص می‌کند که رقابت سیاسی تا چه اندازه بر پایه سازمان های سیاسی برنامه محور یا بر اساس شخصیت های فردی شکل می‌گیرد. بررسی این نسبت در جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که اگر چه چارچوب حقوقی انتخابات، امکان فعالیت احزاب و تشکل های سیاسی را فراهم کرده است، اما ساختار عملی رقابت های انتخاباتی در بسیاری از موارد بر محور افراد و

سرمایه اجتماعی آنان سازمان یافته است؛ امری که بیانگر نوعی غلبه فرد محور بر رقابت حزبی در ساختار انتخاباتی کشور است.

با نزدیک شدن به انتخابات نهم ریاست‌جمهوری، فضای سیاسی کشور دوباره درگیر بحث‌ها و رایزنی‌های سیاسی درباب کاندیداتوری افراد گردید. هریک از جناح‌ها به اعلان موضع‌گیری پرداختند. اصول‌گرایان بر حضور نامزدی مشترک اصرار داشتند. اصلاح‌طلبان این بار هم همچون گذشته ابتدا به سراغ میرحسین موسوی رفتند. اما رایزنی‌ها در مورد کاندیداتوری ایشان نتیجه‌ای نداشت. سپس مهدی کروبی رئیس مجلس ششم و دبیرکل مجمع روحانیون مبارز از حضور خود در انتخابات آینده خبر داد.

هاشمی رفسنجانی نماینده جناح میانه‌رو در ابتدای ورود مرجع دانست تا فرد دیگری غیر از او در این مسئولیت مهم و محوری باشد و ایشان کمک نمایند. در این میان در تاریخ ۱۱ آذر ماه سال ۸۴، کاندیداهای قطعی حاضر در انتخابات از سوی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی این‌گونه معرفی شدند: آقایان ولایتی، لاریجانی، رضایی در جناح اصول‌گرایان و آقایان کروبی و معین از سوی اصلاح‌طلبان و البته هاشمی رفسنجانی در راس دیگر هرم انتخاباتی. اما این پایان گمانه‌زنی جناح‌ها در رابطه با انتخابات آتی نبود جناح‌ها صف‌بندی روشنی نداشتند، اعلام کاندیداتوری آقای کروبی در غیاب رضایت جبهه مشارکت رخ می‌داد. آقای محمدباقر قالیباف به نامزدهای جناح اصول‌گرا پیوست. آقای مهرعلیزاده به‌عنوان کاندیدای گروه قومی و مستقل به میدان آمد. هنوز خبری از کاندیدای پیروز آقای احمدی‌نژاد نبود. عمده خبرها پیرامون ایشان بر محور ملاقات وی با چاوز، امضای تفاهم‌نامه با یوری لوژکف در حوزه مدیریت شهری بود. این امر در حالی صورت گرفت که فلاحیان وزیر اسبق اطلاعات از حضور دکتر احمدی‌نژاد برای نخستین‌بار در انتخابات سخن گفت. از سوی دیگر، ائتلاف سیاسی جدیدی با عنوان ائتلاف آبادگران مرکب از شورای شهر تهران و شهرداری ایجاد شد. این ائتلاف با تلقی حضور در انتخابات به‌مثابه یک وظیفه ملی و مکتبی وارد عرصه شد و به حمایت از دکتر احمدی‌نژاد پرداخت. شورای نگهبان شش ماه پس از معرفی کاندیدها از سوی جریان‌های سیاسی، در تاریخ اول خردادماه ۸۴ افراد تأیید صلاحیت‌شده را به این ترتیب معرفی نمودند: محمود احمدی‌نژاد، علی لاریجانی، محسن رضایی، محمدباقر قالیباف، مهدی کروبی، اکبر هاشمی. آقایان معین و مهرعلیزاده هم با حکم حکومتی به جمع مذکور اضافه شدند.

در پایان رقابت انتخاباتی، آهنگرزاده‌ای روستایی (پایانه جامعه اسلامی دانشجویان، مورخ ۸۴/۴/۱) پیروز انتخابات گردید. دولت تحول‌گرا، مردمی، دلسوز و فداکار برای مردم، تغییر اساسی در رویکردها و عملکردها، توسعه پایدار تحقق عدالت، مبارزه با دزدی و حل مشکلات مردم، جلوگیری از تبعیض‌ها و رانت‌خواری‌ها، از مهم‌ترین نشانه‌های گفتار وی بود. در تبلیغات ایشان بحث دولت اسلامی به‌طور موکدی تبلیغ می‌شد، اگر تا این دوره از انتخابات حکومت اسلامی و تمدن اسلام به‌عنوان دال مرکزی سپهر گفتمانی جمهوری اسلامی ایران در چرخش‌های متفاوت صورت‌بندی‌های متمایزی می‌یافت این بار، دولت اسلامی و بایسته‌های آن در سطحی نازل‌تر از حکومت تبلیغ شد. در دولت اسلامی، توسعه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با هم و در چارچوب احکام نورانی اسلام تحقق خواهد یافت. در دولت اسلامی، توسعه اقتصادی به تعداد سد و برج و اتوبان و ... نیست بلکه توسعه همراه با عدالت و به نفع قشر مستضعف جامعه خواهد بود. در دولت اسلامی، توسعه سیاسی به تعداد روزنامه و احزاب و انتخابات و ... نیست بلکه توسعه و آزادی سیاسی و شهروندی هنگامی محقق می‌شود که حزبی خاص با استفاده از قدرت مالی تمام رسانه‌ها و روزنامه‌ها و بلندگوها را در اختیار نداشته باشد و فضای جامعه توأم با آرامش و عقلانیت باشد. از منظر رئیس‌جمهور دولت اسلامی، تهاجم فرهنگی بیش از آن‌که دامن جوانان را گرفته باشد در میان مسئولان رخنه کرده است و برای مقابله با آن ابتدا باید بخش‌هایی از دولت را تصفیه کرد نه این‌که با جوانان برخورد کرد. دولت اسلامی، دولت مهربانی است که کابینه آن را مردم ایران تشکیل می‌دهند و در آن مسئولان نوکر مردمند. اما با چپاول گران بیت‌المال و حق مردم، قاطعانه برخورد خواهد شد. (رسالت، ۱۳۸۴/۴/۱) گفتار مذکور برخلاف گمانه‌زنی‌هایی است که آینده حکومت در ایران را سیاست منهای دین ارزیابی می‌کردند. آقای احمدی‌نژاد تلاش می‌کرد تا با استفاده از دین و ارزش‌های دینی در تعقیب منافع دولتی، تغییری در سیاست کلان جمهوری اسلامی ایجاد کند.

به حاشیه رفتن الگوی جریان سیاسی اصلاحات اما باقی ماندن ادبیات سیاسی:

مولفه های تغییر گفتمان:

مولفه اول: جایگزینی فرهنگ عامه در اسلام گرایی به جای اهمیت عقلانیت اجتماعی در

گفتمان انقلاب:

در این مولفه تغییر فرهنگ عامه به جای مباحث عقل و نقل در اندیشه و عقلانیت اجتماعی، خانواده را از حیث روابط در خانواده، موسیقی، پوشاک، فرهنگ خوراک و آشپزی، زیبایی در میان زنان و ... مورد توجه قرار گرفت. در نگاه دولت خاتمی، نگاه تمدنی و جامعه مدنی و مباحث عقل گرایی در عقلانیت اجتماعی توجه به ایجاد مکان های گفتگو و حوزه روابط اجتماعی در فرهنگ دیالوگ اهمیت داشت و در گفتمان دولت نهم این نگاه به تغییر روابط در خانواده و خود خانواده مورد توجه قرار گرفت. از آنچه در خانواده های می گذشت به جای آنچه در حوزه روابط اجتماعی نیازمند گفتگو بود و میدان بازی سیاسی تغییر کرد. از حوزه اجتماعی به فرهنگ عامه. الگوی بیانی و رتوریک و محاورات افراد و زبان محاوره هم تغییر یافت. در الگوی اصلاحات زبان، بیان، به سمت عقل و معنای آنچه عقلانیت اجتماعی جامعه مدنی بود در قانون گرایی اهمیت داشت و در گفتمان دولت نهم این عقل گرایی همان فرهنگ عامه است که زندگی می شود و محاورات افراد همان ساختار سیاسی است. تغییر این نگاه، روابط قدرت در حال تغییر در خانواده ها را هدف قرار گرفت.

۱- تغییر الگوی بیانی در سطح اجتماعی از فلسفه و اندیشه تا الگوی روابط در خانواده

در فرهنگ عامه:

الف - خانواده به جای نگاه تمدنی : تغییر روابط قدرت در خانواده

دال ها و مضامین که در دهه ۸۰ در حوزه گفتمانی در فضای سیاسی از صحنه قدرت کنار رفتند چالش های اساسی گفتمان دولت نهم هستند: دو دسته شاخصه های مضمونی مبتنی بر سبک زندگی اسلامی-ایرانی و سبک زندگی غیر دینی وجود دارند. دوران عدالت گرایی آقای احمدی نژاد به طور ناخودآگاه سبک زندگی غیر دینی و الگوی سکولاریسم در سطح فردی را در بنیان خانواده ها در چالش با الگوی گذشته خود را این طور نشان داد:

در بخش رویکرد سبک زندگی اسلامی-ایرانی در دولت اسلامی تقویت ارزشهای اخلاقی

در بعد فردی و اجتماعی، تشریح میراث سستی - مذهبی و به کارگیری آن در زندگی امروزی، تقویت روحیه امیدواری، نشاط و تلاش، استحکام بنیان خانواده بر مبنای آموزه های دینی، معرفی الگوهای زیست اسلامی - ایرانی و ارتقاء فرهنگ شهروندی بر مبنای آموزه های دینی مورد تاکید قرار گرفتند.

در زمینه سبک زندگی غیر دینی این شاخصه های مضمونی مورد چالش قرار گرفت: ترویج جذابیت های زندگی غربی در رد زندگی غربی، اصالت دادن به مادی گرایی با تاکید بر زهد گرایی و ساده زیستی، باستان گرایی پنهان، نمایش تعارض مذهب با زندگی امروزی، دعاوی تاریخی اسلام ایرانی در خصوص اسلامیت و جمهوریت، اسلامی بودن و ایران باستان، عدم پاسخ به ایجاد شبهه های اعتقادی و معرفی الگوهای زیست غیردینی و تغییر الگوی زیست اجتماعی و ظهور شئون اجتماعی و تغییر طبقه بندی های اجتماعی. «تقویت ارزشهای اخلاقی در بعد فردی و اجتماعی»، «تشریح میراث سستی - مذهبی و به کارگیری آن در زندگی امروز» و «استحکام بنیان خانواده بر مبنای آموزه های دینی»

تغییر نگرش ارزشی به خانواده از خانواده های متوسط به خانواده هایی که اکنون روابط قدرت در آن ها تغییر کرده بود مسئله بعدی بود. مضامینی در ارتباط با تحکیم بنیان خانواده دارند و سبک زندگی اسلامی ایرانی، تغییر روابط فرهنگی زن و مرد نوعی تغییر الگوی قدرت را نشان می دهد. ادب و احترام مرد بدون ثروت مادی به همسرش، بی احترامی به ساحت مادر بد خلقی و سختگیریهای مداوم زن را از ادامه زندگی با مرد خسته می کند. تغییر الگوی ازدواج تغییر دیگری است که در نوع روابط قدرت در خانواده تغییر ایجاد می کند. نحوه برخورد با والدین نوع دیگر تغییر است که در روابط قدرت دیده می شود. مسئله ازدواج و تغییر روابط قدرت در خانواده این گونه مطرح است. «ولخرجی کمتر ازدواج آسانتر» پرونده ازدواج آسان است.

مؤلفه دوم: تغییر نگرش به زنان از دولت خاتمی به دولت احمدی نژاد و تغییر الگوی قدرت در روابط اجتماعی کار، در مؤلفه قبلی خانواده و سپس اشتغال زنان از حیث روابط قدرت مطرح شد. در گفتمان انقلاب اسلامی حضور زن در اجتماع برای کنش گری سیاسی و اجتماعی یک امر حتمی بود اما اکنون در اسلامی کردن روابط اجتماعی تغییر مؤلفه قدرت در روابط خانواده و زنان بحث تقسیم کار و نوع اشتغال ایشان را مطرح می کرد با نگاه آسیب شناختی. الگوی نقش زن در خانواده از فرهنگ عامه به فرهنگ فانتزی تغییر کرد.

الف- زن و مسئله آسیب اجتماعی حضور او در اجتماع:

مصاحبه ای با یکی از مسئولین با عنوان «آسیبهای حضور اجتماعی دختران را جدی بگیریم» انجام شده است: - در منطقه مدیترانه شرقی، میزان مصرف دخانیات بین دختران در مدارس رو به افزایش است و در ایران به میزان ۱۹,۵ درصد رسیده است. با توجه به صحبت‌های شما این موضوع چگونه توجیه پذیر است؟

«استفاده از مشروبات الکلی در غرب آزاد است مثل وضعیتی که سیگار در کشور ما دارد اما تبلیغات منفی علیه استعمال آن همیشه وجود داشته است. پسرها که از قبل مصرف کننده دخانیات بودند کم کم تحت تأثیر این تبلیغات قرار گرفتند و میزان استعمالشان تا حدودی کمتر شده است اما دخترها که قبلاً سهم کمتری از بازار سیگارها را داشتند به عنوان جزئی از فرایند ظهور در اجتماع و فعالیت اجتماعی و قد علم کردن در برابر مردها دارند رفتارهای مردانه از جمله سیگار کشیدن را تجربه می کنند و ممکن است این میزان بیشتر هم بشود. بنابراین با همه این ظهورهای زنانه در عرصه اجتماعی، آسیبهای این چینی هم ناگزیر نخواهد بود مگر اینکه با کار فرهنگی بتوانیم جلوی گسترش آن را بگیریم. ورود دخترها به محیطهای اجتماعی چه مسائلی به همراه دارد؟

«ببینید دخترها از لحاظ هوش و استعداد فرقی با پسرها ندارند. نصف جمعیت ما را هم دخترها تشکیل می دهند و باید ظرفیت و فضایی فراهم شود تا بتوانند درس بخوانند، وار فعالیت اجتماعی شوند و استقلال اقتصادی پیدا کنند. اگر این مسائل و مشکلات حل شود یک قدم مهم برای پیشرفت آنها و در کنار آن پیشرفت مملکت برداشته می شود. البته طبیعی است که در این راه باید به آسیبهای جدی این مسأله هم توجه کرد و همه این مسائل را با توجه به فرهنگ ایرانی- اسلامی پیش برد. -» به نظر شما می توانیم آینده ای را ببینیم که به طور مثال رؤسای بانکها خانم باشند؟ مدیران عامل شرکتهای خانم باشند و ...؟ «چرا به رئیس بانک فکر می کنید؟ رئیس جمهور هم می تواند خانم باشد. قضات هم می توانند از بین خانمها انتخاب شوند. به نظر من الان راه باز شده است. الان در دولت وزیر زن بی حاشیه تر از وزرای مرد کار می کند. به نظر من هیچ ایرادی در این کار نیست. اگر تصمیم گیران کشور به همین شیوه عمل کنند که راه را برای فعالیت زنان باز کردند، آینده پرفروتنی را پیش روی دختران ایرانی می توانیم تصور کنیم.»

البته اگر رواج پدیده های زیبایی- آرایشی نظیر عمل های بینی و تاتو می شد کنترل کرد. «تاتو کارها صنف خاصی ندارند و این کار معمولاً در آرایشگاهها انجام می شود. از آنجا که

این کار غیر بهداشتی است و به صورت کاملاً غیر تخصصی انجام می شود باعث انتقال بیماریهای پوستی و واگیردار می شود. پلیس به صورت جدی با این مراکز برخورد می کند».

مولفه سوم از خانواده حرکت کردیم به نقش زنان رسیدیم و قدرت دادن به زنان اما در این مسئله جمعیت جوانی از زنان و مخاطبان دهه ۶۰ مطرح بود که این دختران جوان و مردان جوان دوباره در مولفه عمومی سازی ادغام شدند. زن های جوان در عمومیت جوان بودن و تحصیلات و اشتغال حالا با جامعه هدفی روبرو بودند که میدان را "جوان" سازی کردن فراگرفته بود. این جوان ها به لحاظ سنی با شکاف اجتماعی با نسل های انقلاب در حاکمیت مواجه بودند که عمده‌تاً به تعارضات فرهنگ اجتماعی ایشان اشاره می شد.

۳- تغییر الگوی آموزش جوان ها و تغییر الگوی تحصیل کردگی

«شما خودت کجا کار می کنی؟»

«ما اصولاً عادت داریم به کنار گود ایستادن و حرفهای قشنگ زدن. بعضی وقتها چشمهایمان را می بندیم و را فانتزیمان می زند بالا و شروع می کنیم آرزوهای از دست رفته مان را در قالب نصیحت بلند بلند برای بقیه تعریف کردن.

«چون از همان بچگی همه مان قرار بوده خلبان باشیم، دکتر باشیم یا نهایتاً با ارفاق دندانپزشک. چون هیچ وقت نمی خواهیم قبول کنیم در دنیای آدم بزرگها با آن تصویر گوگوری که پدر و مادرها تا هیجده سالگی به خوردمان داده اند، زمین تا آسمان فرق دارد. ما سالها با فانتزی هایمان زندگی می کنیم، لیسانس می گیریم، فوق لیسانس می گیریم، می گیریم چون همه می گیرند و بعد که موقع پول درآوردن می شود، کپ می کنیم. بعد تازه یادمان می افتد که علاقه مان چیز دیگری بوده. می فهمیم که ذوقمان را با یک انتخاب رشته اشتباه ریختیم توی جوب و همین می شود که در عنفوان ۳۰ سالگی تازه فیلمان یاد استعداد می کند و دربه در می افتم دنبال چیزی که دوست می داشتیم. و اگر بخواهیم کمی بی رحم باشیم دربه در می افتم دنبال کاری که برایمان پول داشته باشد و بعد که شروع کردیم به پول درآوردن از راهی غیر از رشته خودمان، بقیه یک جور عجیبی نگاهمان می کنند و اینجاست که از کنار گود جمله معروف «پس کی می ری سر کار خودت» شنیده ن پول درمی آمی شود. هیچکس نیست که بگوید پدر من! عزیز من! کار خودم یعنی چه؟ کار من همینی است که از آن پول در می آورم، با آن زندگی می چرخانم، ماشین می

خرم، شهریه مدرسه می‌دهم...»

ب- تغییر نگاه حکومت به دولت با تاکید بر تعارض بین جوانان با حاکمیت»

«بگذارید این بار خطابتان کنم. این بار نه سوژه یادداشت که مخاطب یادداشت‌م باشید. بگذارید این بار ما نسل سومی باشیم و نسل «چهارم» شما باشید. ما آنقدر که باید و می‌شد جوانی نکردیم، درست! ما برای تغییر دادن چیزهای حالا کوچک هزینه‌های بیش از حدی داریم، درست! ما زیادی به خودمان و دیگران سخت گرفتیم، درست! ما رویای جمعی بیشماری ساختیم و فکر می‌کردیم به آن می‌رسیم و نرسیدیم، درست! اما شما هم از خلأ نیامدید. شما هم خوش باشی و افسون زدایتان را از خلأ نیاوردید. شما ادامه منطقی مایید. اگر شما آید و مانع‌ها را زیرکانه دور می‌زنید، ما قطره قطره چکیدیم و دور نزدیک تا مانع‌ها ذره ذره خرد شوند و آنقدر کوچک شوند که حالا شما بتوانید به راحتی دورشان بزنید. اگر ما دانشگاه نرفته بودیم و از تحصیل سرخورده نبودیم، هنوز هم برای شما دانشگاه تقدسی باورنکردنی داشت.

«شما ادامه ما هستید. ادامه آنور آرم انخواه و آوانگارد ما که می‌خواست بیشتر از آنچه نسل قبل برایش سرمایه گذاشته بودند، نفس بکشد. ما بودیم که اولین مجله‌های نسل خودمان را شکل دادیم، ما بودیم که اولین وبلاگ‌ها را نوشتیم، ما بودیم که اولین شبکه‌های اجتماعی نسل خودمان را شکل دادیم تا حالا شما به راحتی به عضویت در چندیدین و چند سوشال نت ورک مجازی افتخار کنید.»

مؤلفه چهارم: سبک پوشاک و خوراک این میدان از جوانان در گفتمان انقلاب اسلامی بود. مباحث ارشادی حجاب عمدتاً مطرح می‌شد و اصلاح الگوهای تغذیه. مظاهر حجاب در گفتمان انقلاب تغییر کرده بودند و اسلامی کردن فضای عمومی جامعه از حجاب و خوراک به عنوان دو مقوله فرهنگ عامه محاورات و منازعات جدیدی ایجاد می‌کرد.

ج- تعارض‌های اجتماعی جوانان در جنسیت و مسئله شدن حجاب :

توجه بیشتر به فرهنگ سنتی و بومی در ازدواج و تغییر روابط فرهنگی-عاطفی در فرهنگ شهروندی و آپارتمان‌نشینی. «یک وقتی هست که اوضاع خراب می‌شود اساسی. مثلاً قضیه حجاب امروز که به مصیبت تبدیل شده، بعد هیچ کس هم هیچ کاری نمی‌کند. آن کسانی هم که کاری می‌کنند اگر اوضاع را بدتر نکنند بهتر نمی‌کنند. بعد همه هم خوب بلدند حرف بزنند و اظهار نظر کنند و قضیه را پیچیده‌تر و وضع را خراب‌تر از چیزی که هست بکنند. بعد توی این

شرایط یک آدمهای خیلی نادری هستند که کلاً حکمشان فرق می‌کند. یک گوشه ای فارغ از همه این شلوغیها نشسته اند و کار خودشان را می‌کنند. بدون اینکه فقط حرف بزنند و برای بقیه تعیین تکلیف کنند؛ آدمهایی که خودشان کار خودشان را انجام می‌دهند، مثلاً آدمهای با حجاب. بعد همه ما مدیون اینها هستیم، خیلی زیاد.

«باید تشکر کنیم از آدمهایی که در این روزگار در این اوضاع خیلی آشفته بی خیال همه چیز و همه کس شده اند و خودشان به فکر مشکل افتاده اند و خودشان حجاب را انتخاب کرده اند. تحمل کرده اند همه سختیها را و پایش ایستاده اند. نه متنی گردن کسی می‌گذارند بابت آن و نه انتظاری از کسی دارند. حجاب گرفته اند به عنوان یک وظیفه. تحملش می‌کنند، به عنوان یک تعهد اجتماعی. همانطور که کسی ورود ممنوع را نمی‌رود نه توقع تقدیر دارد و نه خودش را چیزی می‌داند. اینها هم به خاطر ادای این وظیفه هیچ جوی نمی‌گیرند. که خیلی ساده این را تعهدی بین خودشان و خدایشان می‌بینند. نه از بخشنده ای حجاب گرفته اند و نه به طمع امتیاز و جایزه ای.»

مؤلفه پنجم در مورد وضعیت بهداشت بود و جمعیت آوری. فرهنگ عامه در ارتقای زندگی کمی بهداشت و جمعیت آوری محاورات زیادی ایجاد کرد. الگوی سلامت اجتماعی نیاز به تغییر نگاه در الگوی گفتمان انقلاب داشت. بیماری‌ها و انواع بیماری‌های جسمی، روحی و... مرتبط با فساد بودند و جمعیت باید افزایش می‌یافت اما هزینه‌های معیشت، زندگی عمومی به سمت بیماری جسمی و روحی تغییر الگوی بهداشت و سلامت اجتماعی را نشان می‌داد. الگوی سلامت عمومی و بهداشت با تمرکز بر نقش بیماری، دیگر مانند گفتمان قبلی عقل جامعه مدنی و سازوکارهای اجتماعی بهداشت در ارتقا کیفیت و کمیت را مطرح نمی‌کرد این‌ها آمار بود و وضعیت بهداشت و سلامت در میان لایه‌های اجتماعی حامی دولت بیماری و بهداشت را در سطح کمی بسیار پایین نشان می‌داد و باروری و تولد فرزند و توجه به نقش زنان از حیث فرزندآوری و توجه به روش‌های نوین باروری مورد توجه قرار گرفت. در الگوی گفتمان انقلاب اسلامی سلامت عمومی جامعه ارزش محور بسیاری از نواقص فرهنگ و بهداشت و سلامت را به سمت الگوهای سلامت رفتار اجتماعی سوق می‌داد سلامت اجتماعی در الگوی گفتمان انقلاب ملاک ایمان و سلامت رفتاری را موید بسیاری از کامیابی‌ها و سعادت معرفی می‌کرد و حتی اقشار فقیر را به سمت سلامت رفتاری و روحی از منظر گفتمان انقلاب اسلامی تشویق کرد و

روحیه معنویت گرایی و تلاش و پویایی را به جای مفاسد زاغه نشینی و زندگی های حاشیه ای آن مطرح کرد اما در گفتمان دولت نهم توجه به بیماری های جسمی و روحی افشار حامی پایین دست جامعه و طبقه ای از پول های ویزیت، عمل جراحی، هزینه های دارو و درمان های گران قیمت به تغییر کانون توجه در بهداشت و سلامت اجتماعی منتهی شد. اهمیت طب سستی در بازگشت از روش های نوین تجاری مورد توجه قرار گرفت و مداوا و درمان مردم از منظر زیست بوم و همان ملاک های درمان محلی مورد توجه قرار گرفت.

ب- توجه به طب سستی و انتقاد از وضع سلامت و بهداشت:

«یکی از ویژگی هایی که در طب سستی شاهد آن هستیم این است که قبل از آنکه به سراغ درمان های پیچیده و بعضاً پر عارضه برویم، با اصلاح و تغییر رژیم غذایی افراد بهبود چشم گیری حاصل می شود. همانطور که حکیم ذکریای راضی به طبیبان توصیه می کند تا زمانی که می توانند با غذا درمان کنند، از دارو استفاده نکنند و تا زمانی که با تک دارو می توانند درمان کنند، از داروهای مرکب استفاده نکنند.»

در یک مصاحبه با عنوان «گذر از تعرفه نه زیر میزی» مقام مسئول اینگونه مسئله زیرمیزی ها را توجیه می کند، این مسئله نظام سلامت و بیماری در خانواده ها را نشان می دهد: «به نظرم اول از همه باید ببینیم مفهوم «زیر میزی» چیست. از دیدگاه ما زیر میزی زمانی مطرح می شود که پزشک می خواهد پولی را دریافت کند و بیماری را به بخش دولتی ببرد نه به بخش خصوصی. در بخش دولتی قراردادهای و اعداد خاصی برای بیمار وجود دارد و امکان اراده این خدمات در جای دیگر وجود ندارد. پزشک مجبور می شود بیمار را به بیمارستان دولتی ببرد. در اینجا وجوه غیر متعارفی دریافت و پرداخت می شود. جالب اینکه این مسأله پیشنهاد خود بیماران است. یعنی خود بیماران به پزشک پیشنهاد می دهند که ما را در بیمارستان دولتی درمان کنید؛ ولی حق الزحمه شما را پرداخت می کنیم. اسم این پدیده زیر میزی عنوان شده و ما در بخش خصوصی چیزی به اسم زیر میزی نداریم.

«در بخش خصوصی بیماری می آید و درخواستی از ارائه کننده خدمت دارد و آن ارائه کننده در جایی خارج از بخش دولتی می خواهد این خدمت را ارائه دهد و بین هم توافق می کنند. توسط سازمانهای صنفی مثل سازمان نظام پزشکی برای این توافقات حد و مرز گذاشته می شود. مثلاً گفته می شود برای فلان عمل جراحی خاص بیشتر از این عدد پرداخت نشود. حالا اگر بیشتر

پرداخت شد، تنها گذر از تعرفه محسوب می شود نه پدیده زیر میزی. بنابراین پنهان کاری صورت نگرفته بلکه در واقع توافقی صورت گرفته که از عرف معمول بیشتر است یا از قانونی که سازمان صنفی گذاشته فراتر رفته.

«باز هم تأکید می کنم ما موافق گذر از تعرفه نیستیم. اما گذر از تعرفه ها زیر میزی نیست. در ضمن این کار فقط مخصوص پزشکان نیست؛ بیمارستان یا درمانگاه هم ممکن است این کار را انجام دهد. معتقدیم باید حقوق بیمار عودت داده شود اما معتقد نیستیم اگر پزشکی چنین کاری کرد گناهی نابخشودنی انجام داده. البته تأمین نیازهای درمانی مردم مهم است؛ اما پزشکان هم نباید متضرر شوند. دولت و بیمه ها هستند که باید این بار را به دوش بگیرند. وقتی تعرفه دیر و غیر واقعی اعلام می شود، وقتی عدد تعرفه با کشورهای همجوار مثل افغانستان، آذربایجان، عراق و کشورهای عربی تطبیق ندارد باید شاهد این موضوع باشید که عده بسیاری از این موضوع ناراحت باشند و عصبانیشان را در قالب گذر از تعرفه ها نشان دهند. البته باز عم معتقدم عده معدودی این کار را می کنند.»

مولفه ششم تغییر الگوی سرگرمی از توجه به ورزش و فیلم های اجتماعی به سمت

جوک و طنز در فرهنگ عامه: در گفتمان انقلاب اسلامی توجه به طنز و استفاده از ادبیات طنز با این دوره تفاوت داشت. بیان طنز و ساختار طنز در این دوره نسبت به دولت های قبلی انقلاب داشت و توجه به جوک های محاوره ای و طنز های با تغییرات زیادی روبه رو بود. حتی در فیلم های طنز سینما آنچه ارزش های جنگ بود مورد خنده قرار گرفت.

در دولت خاتمی توجه به ورزش در میان جوانان بسیار مهم بود اما در دولت نهم آسیب ها و فساد و پول های جابه جا شده در قالب خبرهای افشا و ... مطرح شد و در حوزه فراغت و سرگرمی توجه به طنز در میان عامه مردم اهمیت یافت. این طنز در واکنش به برنامه ای کردن زندگی در ایران و قواعد و قوانینی بود که یک شب تغییر می کرد و نوسانات فساد و پول شویی را نشان می داد. ورزش در گفتمان انقلاب اسلامی به سنت پهلوانی و قهرمانی تکیه داشت و زورخانه و تربیت پهلوانان جنگ و انقلاب و قهرمانی در سطح ملی و بین المللی در دوران بعد از انقلاب بسیار مهم بود. اما در گفتمان دولت نهم فرهنگ پهلوانی و قهرمانی و آنچه دستاورد این ارزش بود در فرهنگ تجاری سازی ادغام شده و فساد را نشان می داد پول های میلیاردی که در

ورزش‌های باشگاهی جابه‌جا می‌شد و بازی فوتبال به عنوان عمومی‌ترین ورزش عامه که بسیار مورد اقبال عامه مردم بود در این ادبیات سیاسی تضعیف شد. رجوع به فرهنگ عامه با تضعیف فرهنگ فوتبال به عمومی‌ترین فرهنگ عامه در روی آوردن به ورزش بود و کشتی به عنوان فرهنگ پهلوانی مورد انتقاد قرار گرفت.

ب- تغییر الگو سرگرمی به مثابه حوزه ورزش:

«میلیاردرهای کم‌کیفیت، بازیکنان بی‌فایده سیب‌زمینیها و ... این جملاتی که می‌بینید، تیت‌های دو سال اخیر روزنامه‌ها در مورد فوتبالیستهای لیگ برتر است که درآمدهای کلانی دارند را هدف قرار داده. در فوتبال ایران هیچ اتفاق خوشحال‌کننده‌ای نمی‌افتد اما بیش از کل ورزشها در آن هزینه می‌شود. حالا بعد از عملکرد خوب ورزشکاران ایرانی در المپیک ۲۰۱۲ لندن و شروع لیگ برتر بی‌کیفیت، حمله به فوتبال بیشتر شده. برای مردم قابل درک نیست که چرا باید اینقدر پول خرج فوتبال فکس‌نی ایران کرد.

«الان چند هفته‌ای است همه در خیابان‌ها در مورد درآمد فوتبالیست‌ها حرف می‌زنند و اینکه چقدر بهتر بود هزینه‌های سرسام‌آور لیگ برتر برای ورزشهای دیگر انجام می‌شد و حداقل یک مدال برای خوشحالی مردم روی مدالهای المپیک می‌آمد؛ اما اطلاعات زیادی وجود دارد که نشان می‌دهد درد گرانی فوتبال مختص ایران نیست.

«سیستم مالی فوتبال ایران اگر به این شیوه تغییر کند آنوقت دیگر هیچکس به درآمد فوتبالیستها اعتراضی نخواهد داشت. یعنی باشگاهها خصوصی شوند و دیگر به پول دولتی آویزان نباشند. اهمیت جوک و خنده در انتقاد از حکومت و گفتمان در الگوی سرگرمی:

تغییر منزلت اجتماعی پایگاه انقلاب اجتماعی در ایران با تغییر بیان در مورد منزلت و شان اجتماعی و استفاده از طنز همراه بود. اسلامی کردن منزلت اجتماعی و شئون اجتماعی موجدی از تغییر بیان طنز نسبت به منزلت‌های اجتماعی گذشته با جایگزینی الگوهای اسلامی به همراه داشت. دولت اسلامی با تغییر روابط قدرت در هسته اجتماعی در واقع در تدارک تغییر گروه‌های منزلت اجتماعی پایگاه انقلاب و ایجاد پایگاه جدید در انقلاب بود. به جوک و خنده در ارزش‌های دینی سبک‌های منزلت اجتماعی مستقر روی آورده بود". سبک زندگی غیر دینی و غربی در انقلاب در تعریف هویت و بازسازی آن از سوی نمادهای معنایی مورد حمله قرار داشت در دولت نهم این سبک زندگی غیر دینی و غربی با ارزش‌های دینی دو دولت گذشته توانمند مورد چالش

قرار می گرفت و دولت تلاش می کرد در فرهنگ سبکی از اسلامی شدن و دینداری در پایگاه اجتماعی منزلت و شان ایجاد کند.

نتیجه گیری

براساس مطالعات جامعه شناختی، تمرکز بر خانواده و تغییر نقش جنسیت (زنانگی بانوان و مردانگی آقایان)، تنظیم جمعیت، سلامت، زیبایی و مشاغل زنان در حیطه خانواده و پوشش و قالب های چالش برانگیز سبک های ازدواج به عنوان زمینه و شرایط اجتماعی مورد تاکید قرار گرفته است.

در واقع، فرهنگ عامه در دولت نهم به جای برنامه و نگاه به عقلانیت جامعه مدنی بر روابط قدرت زن و مرد در خانواده و تقلیلی بود. الگوی بیماری و فساد دولت در گفتمان انقلاب با مقاومت گفتمان های قبلی روبرو شد به شکاف در گسست های گفتمانی محافظه کاری سلطنت طلب را قدرت بخشید. با تغییر کانون گفتمان مقاومت در پایگاه اجتماعی به آشوب و اعتصاب و اعتراض و مقاومت مدنی انجامید.

عمومی کردن فرهنگ اجتماعی به عنوان سیاست فرهنگی این دولت در توجه به فرهنگ عامه مخاطراتی داشت که نمی توان از آن غفلت نمود. تغییر شئون و پایگاه های اجتماعی درآمد و توزیع درآمد را میان گروه های برخوردار اجتماعی تغییر داد و با تغییر محور "منزلت اجتماعی و شئون انقلاب ایران" مقاومت اجتماعی در میان خود مردم بالا گرفت. دولت احمدی نژاد افرادی را نشان می داد که به نام مصلحت از بی برنامه گی رنج می بردند آن ها به برنامه مبتلا شده بودند پس سازمان برنامه و بودجه را فاقد کارایی می دانست. در نحوه عملکرد، عمدتاً به اقتضائات امرسیاسی پاسخ می گفت. مصلحت اندیشی فقهاتی در برابر دولت اسلامی لبه بران و تیز پردکردن گفتمانی بود. در واسازی گفتمانی و به حاشیه بردن مصلحت اندیشی یک مسئله وجود داشت: تقلیل حکومت به دولت.

رژیم سیاسی انقلابیون ایران در دولت اسلامی نفی می شد جبهه پایداری از دولت اسلامی دفاع می کرد. این تغییر نگاه به حاکمیت در میان رجال سیاسی ایران در این زمان به نفع دولت در یک رژیم ریاستی و نه پارلمانی در مسئله توزیع قدرت مطرح شد.

منابع

- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: فرهنگ گفتمان.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد (۱۴۰۲). روش و نظریه در علوم سیاسی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- خانی، حسین (۱۳۹۶). انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و صورت بندی خرده گفتمان عدالت، مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۲ (۵۰)، ۱۶۳-۱۸۴.
- رابرتس، آدام؛ فردریک، جیمسن (۱۳۸۶). مارکسیسم، نقد ادبی و پسا مدرنیسم، ترجمه وحید ولی زاده، تهران: نشر نی.
- روزنامه رسالت ۱۳۸۴/۰۴/۰۱.
- عراقی، مهدی؛ نقیب زاده، احمد؛ مطلبی، مسعود (۱۴۰۳). تحلیل جامعه شناختی چالش های فرهنگی حوزه نخبگی سیاسی در فرآیند تحقق حکمرانی خوب در جمهوری اسلامی ایران، جامعه شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، ۵ (۱۷)، ۳۱-۴۹.
- فرخی و جهانگیری (۱۴۰۰). گفتمان فرهنگی دولت نهم و دهم، جامعه پژوهی فرهنگی، ۱۲ (۴۰)، ۱۱۱-۱۳۴.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان، ترجمه فاطمه شایسته پیران و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- محمودی رجا، سیدزکریا؛ امام جمعه زاده، سیدجواد؛ باقری دولت آبادی، علی (۱۳۹۵). تحلیل رویکرد دولت نهم و دهم نسبت به جهانی شدن فرهنگ با استفاده از نظریه آشوب، پژوهش های راهبردی سیاست، ۵ (۱۷)، ۱۴۳-۱۶۸.
- همشهری جوان، شماره ۳۸۵-۳۶۰.
- Berger, P (1967) . *The sacred canopy, Elements of sociological theory of religion*.
- Geertz, C (1973) *The Interpretation of Cultures: Selected Essays* New York: Basic Books
- Hoover and Lundby (1997) *Rethinking Media, Religion, and Culture*. London.
- White, R.A. *Religion and Media in the Construction of Cultures*. London, and New Delhi: Sage.